



# کلمه مرکب - اسم مرکب

## نگرشی به جمله های «نه اسمیه - نه فعلیه» در زبان فارسی

از: مهرانگیز نوبهار

جمله های ویژه مورد بحث را به کلیه جمله هایی اطلاق می کنیم که نهاد آنها نه فعالیت و مفهوم انجام فعل را می پذیرند و نه مفهوم یک مسند را می توان به آنها نسبت داد. هر چند که تمام جمله ها در کلیه زبانها قابل تفکیک به دو بخش عمده نهاد و گزاره است، در این مقاله جمله های دو بخشی «نهاد و گزاره ای» صرفاً به جمله هایی گفته می شود که در تشکیلات آنها عنصری با ویژگی فاعل یا مسند الیه (نهاد جمله اسنادی) وجود ندارد. اینک به بررسی هر کدام از گونه های جمله های «نه اسمیه - نه فعلیه» می پردازیم. اینگونه جمله ها در چهار گروه قرار می گیرند که عبارتند از:

- ۱- جمله های مجهول
- ۲- جمله های مصدری
- ۳- جمله های صوتی
- ۴- جمله های ویژه

### ۱- جمله های مجهول

جمله های مجهول از تغییر جمله فعلیه معلوم حاصل می شود؛ یعنی، هر جمله مجهول، صورت معلوم مفروضی را می تواند داشته باشد. اصولاً هر چیزی که تغییر می کند، ویژگی های قبلی خود را از دست می دهد و ویژگی های قبلی خود را از دست می دهد و ویژگی های جدیدی را می پذیرد. در بررسی جمله های مجهول به این نتیجه می رسیم که صورت ساختاری کلیه جمله های مجهول از فرم یکسان و همانندی پیروی نمی کنند و سه گونه ساختاری متفاوت دارند که عبارتند از:

- جمله هایی که فعل آنها در صورت معلوم جمله، یک فعل

دستور نویسان، کلیه جمله های موجود زبان فارسی را در دو گروه «اسمیه» و «فعلیه» قرار می دهند و در این تقسیم بندی، گروه قابل توجهی از جمله ها که فاقد ویژگی جمله های فعلیه می باشند در لیست جمله های فعلیه قرار می گیرند و با توجه به جنبه های معنایی و سایر معیارهای گروه بندی جمله، ناگزیر هستیم که برای این گونه جمله ها، جایگاه ویژه ای را در نمودار «تقسیم بندی جمله از حیث عناصر تشکیل دهنده آن» قایل شویم. جایگاه جمله های مورد بحث در نمودار یادشده با علامت \* مشخص شده است:

نمودار اقسام جمله از حیث عناصر تشکیل دهنده آن

دارای سه رکن	}	جمله اسمیه
دارای ۴ رکن (مکمل دار)		

با فعل لازم	}	جمله فعلیه
با فعل متعدی		

جمله های متمم دار با متمم اجباری

از تغییر فعل ساده متعدی	}	جمله های «نه اسمیه - نه فعلیه»	
از تغییر فعل مرکب متعدی			- جمله های مجهول
از تغییر فعل لازم			- جمله های مصدری
		- جمله های صوتی	
		- جمله های ویژه	



ساده متعددی است.

- جمله هایی که فعل آنها قبل از مجهول شدن، یک فعل مرکب متعددی بوده است.

- جمله هایی که فعل آنها در صورت معلوم جمله، یک فعل لازم بوده است.

الف = جمله هایی که فعل آنها یک فعل متعددی ساده است؛ به این صورت مجهول می شوند که ابتدا فعل جمله، توجه خود را از نهاد، به مفعول معطوف می دارد و مفعول جایگاه نهاد را در ساخت جمله مجهول اشغال می کند و فعل با تغییراتی به یک فعل لازم مجهول تبدیل می شود و مجموعه مفعول حقیقی و فعل مجهول، یک جمله ویژه می سازد که در آن، نهاد ظاهری جمله حاصل، مفهوم فعالیت فعل را نمی پذیرد و از طرفی ساخت فعل مجهول به گونه ای است که یک واحد لغوی به حساب می آید و قابل تفکیک به مسند و رابطه نمی باشد. هرچند که اینگونه جمله ها از نظر ساختاری بی شباهت به جمله های اسمیه نیست، نمی توان آن را یک جمله اسمیه نیز حساب کرد؛ یعنی جمله ای است نه اسمیه و نه فعلیه. مثال:

احمد خانه قدیمی را فروخت. ← خانه قدیمی فروخته شد.

دانش آموزان تکالیف خود را نوشتند.

تکالیف دانش آموزان نوشته شدند.

ب - گروه دوم از جمله های مجهول جمله هایی هستند که صورت معلوم فعل آنها یک فعل متعددی مرکب است. می دانیم که فعلهای مرکب از یک اسم یا صفت به کمک برخی از فعلهای ساده<sup>(۱)</sup> ساخته می شوند. در جمله هایی که دارای اینگونه فعلها می باشند، برای مجهول نمودن جمله، همکرد فعل مرکب به ساخت هایی از فعل «شد» مبدل می شود و مفعول، جایگاه نهاد دستوری جمله مجهول را اشغال می کند، مثال:

معلم درس را آغاز کرد. ← درس آغاز شد.

نهاد گزاره

با اینکه در اینگونه جمله ها، مفهوم صفت مفعولی از فعل جمله مجهول استنباط می شود ولی در جنبه صوری کلام، صورت های صفت مفعولی را - که به زعم برخی از دستورنویسان مشخصه فعل مجهول است - نمی بینیم؛ مثال:

پدرش نامه ای را برای او ارسال کرد. (جمله معلوم)

نامه ای برای او ارسال شد. (جمله مجهول با مفهوم فعلی)

نهاد گزاره

«ارسال کرده شد»

مسئولان مدرسه کارها را اصلاح کردند. ← کارها

اصلاح شدند. (کارها اصلاح [کرده] شدند).

گزاره

صورت ظاهری برخی از این جمله های مجهول نیز دقیقاً بر جمله های اسمیه منطبق است ولی از آنجایی که نمی توان در چنین جمله هایی ساخت های مصدر «شدن» را با انواع دیگر فعل ربطی از جمله «است» جانشین سازی کرد، نمی توان آن را جمله اسمیه حساب کرد<sup>(۲)</sup>؛ یعنی فی المثل نمی توان گفت:

«نامه ای برای او ارسال است.»

و یا

«کارها اصلاح هستند.»

ج - دسته سوم از جمله های مجهول، جمله هایی هستند که صورت های معلوم آنها فاقد فعل های گذرا می باشد و در نتیجه، مفعول نیز ندارند که بتواند جایگاه نهاد را در جمله مجهول اشغال کند. اینگونه جمله ها دارای فعلهای لازم

مرکب می باشند و صورت مجهول آنها به این ترتیب ساخته می شود که ابتدا فاعل جمله معلوم حذف می شود و سپس جزء غیر صرفی فعل، جایگاه نهاد را اشغال می کند و جزء صرفی، جای خود را به یکی از ساخت های «شد» می دهد؛ مثال:

آنها بارها با حسین مکاتبه کردند. (جمله معلوم)  
 فاعل  
 نهاد  
 فعل  
 (جمله مجهول) شد.

مکاتبه با حسین شد.

نهاد گزاره  
 \* دوستانش به او تلفن کردند. (جمله معلوم)

به او تلفن شد. (جمله مجهول)

تلفن به او شد.

نهاد گزاره  
 \* او از پدر و مادرش دلجویی کرد. (جمله معلوم)

از پدر و مادرش دلجویی شد. (جمله مجهول)

دلجویی از پدر و مادرش شد.

نهاد گزاره

بنابر آنچه که گذشت در بسیاری از جمله های مجهول، صفت مفعولی - که معیار ویژه افعال مجهول می باشد - به اعتبار معنای جمله از دو ساخت جمله حذف می شود ولی مفهوم آن در فعل باقی می ماند.

## ۲- جمله های مصدری

گروه دوم از جمله های «نه اسمیه - نه فعلیه» جمله هایی هستند که در این مقاله تحت عنوان جمله های مصدری مطرح می شوند. جمله های مصدری جمله هایی هستند که در ساخت آنها یکی از فعلهای «باید»، «شاید»، «یارست» و «توان» به همراه عناصر دیگری به کار می روند. از آنجایی که عناصر همراه این فعلها غالباً «مصدر» است در

اغلب کتابهای دستور، آنها را «فعل در وجه مصدری» نامیده اند. این که آیا اصولاً می توان مصدر را فعل نامید خود بحث جداگانه ای دارد زیرا می دانیم که مصدر، یک اسم مشتق است و شباهت قابل توجهی با فعل ندارد ولی در بافت کلام همانند یک اسم می تواند کلیه نقش های اسم را بپذیرد. شاید علت این که مصدر را در دستورها در مبحث فعل مطرح می کنند ناشی از آن باشد که به خاطر معنی لغوی «مصدر» آن را محل صدور فعل به شمار می آورند.

جمله های مصدری به هر صورتی که به کار روند، پیام هایی را القا می کنند که شامل دو بخش نهاد و گزاره است. بی آنکه بتوانیم ویژگی جمله های اسمیه یا فعلیه را به آنها نسبت دهیم.

در زیر به ارائه صورت های مختلف اینگونه ساخت ها می پردازیم:

الف - «باید»، «شاید»، «توان» و «یارست» + مصدر

کامل یا مصدر مرخم ← باید رفت ← رفت باید

رفتن باید ← (رفتن لازم است)

نهاد گزاره

به ظاهر حکم نباید کرد ← حکم کردن به ظاهر نباید  
 نهاد گزاره

اشک حافظ خرد و صبریه دریا نداشت

چه کند سوز غم عشق نیارست نهفت ←

نهفتن سوز غم عشق نیارست.

نهاد گزاره

دوش بامن گفت پنهان کاردانی تیزهوش

وز شما پنهان نشاید کرد سرّ می فروش

پنهان کردن سرّ می فروش نشاید.

نهاد گزاره

از بررسی نمونه های یادشده، این نتیجه حاصل می شود که بخش مصدری این ساختها صورت های تأویل یافته ای

از جمله های وابسته اسمی<sup>(۳)</sup> است که با تأویل به مصدر، جایگاه هسته نهاد را در جمله پایه اشغال می کند یعنی در واقع جمله «باید رفت» به صورت: «باید که برویم» بوده و جمله وابسته «که برویم» به مصدر «رفت» تأویل یافته است.

آزردن دوستی نشاید  
نهاد گزاره

ای فرزند باید که همیشه زیانت در ذکر خدا باشد ←

در ذکر خدا بودن باید  
نهاد گزاره

ب - «باید»، «نشاید» و ... + اسم (به صورت غیر مصدری) یا ضمیر، مثال:

من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج

ترا آسودگی باید مرا رنج ←

جمله جان شدن باید  
نهاد گزاره

باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی ←

آسودگی بر تو باید  
نهاد گزاره

رنج بر من باید  
نهاد گزاره

البته گاهی حرف ربط وابستگی از بافت کلام محذوف ولی مفهوم آن با جمله پیرو همراه است؛ مثال:

آزادی باید [که] متدرجاً تولید گردد ←  
جمله پایه

آدمی را عقل باید در بدن  
عقل در بدن آدمی باید  
نهاد گزاره

جمله پیرو

تولیدگر بدن آزادی باید  
نهاد گزاره

نمونه های ذکر شده فاقد عنصر مصدر از نوع کامل یا مرخم می باشند و این ساخت ویژه، عنوان «وجه مصدری» را در مورد اینگونه ساخت ها و کلیه ساختهای مصدری بی اعتبار می کند

ج - «باید»، «نشاید» و ... + جمله وابسته اسمی

در این دسته از نمونه ها، یک جمله وابسته اسمی بدون تأویل به مصدر، به کمک یکی از حروف ربط وابستگی، جایگاه جمله پیرو را در جمله مرکب اشغال می کند؛ بخش پایه این جمله ها را فعلهای «باید»، «نشاید» و ... تشکیل می دهد. این نمونه ها نیز عنوان «وجه مصدری» را برای ساخت های یادشده بی اعتبار می کند، بخصوص که فعل جمله وابسته صورت صرفی دارد نه صورت مصدری؛ مثال: دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند، نشاید که به یک دم بیازارند. ←

کوتاه بودن دست باید  
نهاد گزاره

گاهی فعل جمله پیرو در اینگونه کاربردها به قرینه معنایی محذوف است؛ مثال:

[باشد] ←

دست کوتاه باید از دنیا ← دست باید از دنیا کوتاه

د - «باید»، «نشاید» و ... + متمم + مصدر یا اسم

در این گروه از جمله های به اصطلاح مصدری نمونه هایی قرار می گیرند که در آنها یک ضمیر متصل یا منفصل و گاهی نیز اسم، در بافت کلام نوعی صورت صرفی به مفهوم فعل گزاره می دهد و شخص فعل را توجیه می کند به گونه ای که می توان صورت صرفی منظمی در قالب

جمله از اینگونه ساخت ها به ترتیب زیر ارائه داد:

مرا باید سخن گفت  
ترا باید سخن گفت  
اورا باید سخن گفت  
ما را باید سخن گفت  
شما را باید سخن گفت  
ایشان را باید سخن گفت

در طویلۀ نامردم ساختن باید م \_\_\_\_\_ ← ساختن بر من باید  
متمم نهاد گزاره

همه نیکیت باید آغاز کرد

چو با نیکنامان شوی هممورد ←

آغاز کردن نیکی باید ت \_\_\_\_\_ ← آغاز کردن نیکی بر تو باید  
متمم نهاد گزاره

نمونه های دیگر از ساخت های متمم دار که حاوی ضمایر منفصل در بافت گزاره می باشد نیز فراوان است که شماری از آنها را در زیر می آوریم:  
وی را سگ همچون خویشتنی نیاستی بود ←

سگ همچون خویشتنی بودن بر وی بیاستی  
گروه نهاد متمم گزاره  
گروه گزاره

ماهیت و جایگاه نحوی ضمیرهای موجود در ساخت های فوق غالباً سؤال انگیز بوده و رفع ابهام از آنها و مشخص نمودن جایگاه نحوی آنها به همان شیوه ای که در نمونه های قبلی داشتیم کاری بسیار ساده می باشد و در اینجا هدف اصلی، بررسی و ارائه راه حل اصولی در ساخت های حاضر است؛ بویژه که در زبان گفتار، کاربرد ی ندارند و مختص متن های ادبی کهن می باشند.

نمونه هایی را بررسی می کنیم که در برگیرنده یک ضمیر متصل است تا جایگاه نحوی ضمیر و نیز ماهیت اینگونه جمله ها - که بنابر ادعای این مقاله از گروه جمله های نه اسمیه و نه فعلیه می باشند - بخوبی مشخص شود؛ مثال:

مرا سخن گفتن در وی نشاید ← سخن گفتن در وی مرا نشاید  
متمم

هر که مزروع خود بخورد به خوید

وقت خرمنش خوشه باید چید ←

اگر به جز ابو موسی به کسی راضی نمی شوید، آنچه شما را باید،

بکنید ←  
آنچه بر شما باید (لازم است)

متمم نهاد  
گروه گزاره

وقت خرمن خوشه چیدن باید ش \_\_\_\_\_ ←  
متمم

مرا از لوازم ریاست بیرون باید آمد ←

خوشه چیدن بر او باید  
نهاد گزاره

بیرون آمدن از لوازم ریاست مرا باید  
متمم

گروه نهاد گروه گزاره

بئاس کن که چه حالم بود در این ساعت

که در طویلۀ نامردم باید ساخت ←

ترا توش هنرمی باید اندوخت ← اندوختن، ترامی باید ←

اندوختن توش هنر بر تو می باید

متتم

گروه نهاد گروه گزاره

یکی به طریق ظرافت گفت: ترا هم چیزی بباید گفت ←

چیزی گفتن ترا هم بباید ← گفتن بر تو باید

هسته نهاد متتم هسته گزاره

گاهی متتم های گزاره از نوع ضمایر مبهم و یا اسم نیز می باشند؛ مثال:

هر کسی را در آن موضع خود به کار مشغول باید شد ←

مشغول شدن هر کسی در آن موضع خود بر هر کسی باید

نهاد گزاره

### ۳- جمله های صوتی

برخی از اصوات به تنهایی مفهوم پیام کامل ندارند بلکه با عبارت یا واژه ای همراهی می کنند تا مفهوم مفید پیدا کنند به گونه ای که نه صوت و نه عبارت همراه آن هیچکدام مستقلاً مفهوم پیام رسانی ندارند. در اینگونه کار بردها، صوت جایگاه نهاد یا گزاره جمله صوتی<sup>(۴)</sup> را اشغال می کند؛ مثال:

مرگ بر خائنان

نهاد گزاره

وای بر من

نهاد گزاره

خوشا شیراز و وضع بی مثالش

نهاد گزاره

ای خوشا خاطر ز نور علم مشحون داشتن

نهاد گزاره

حرم آن روز کزین منزل ویران بروم

نهاد گزاره جمله وابسته به نهاد

### ۴- جمله های ویژه دو بخشی

جمله های ویژه نیز تعداد کثیری از جمله های زبان می باشند که از دسته جمله های «نه اسمیه - نه فعلیه» بوده و به دو بخش «نهاد» و «گزاره» تفکیک می شوند. این جمله ها از دسته جمله های مجهول، مصدری و یا صوتی نیز نبوده و کاربرد آنها در زبان فارسی قابل توجه و فراوان است، هسته گزاره در اینگونه جمله ها غالباً از نوع فعلهای اسنادی است ولی چون عنصر نحوی مسند در تشکیلات جمله وجود ندارد نمی توان آنها را از دسته جمله های اسمیه حساب کرد و فعل جمله نیز هرچند که به ظاهر از فعلهای اسنادی است ولی مفهوم اسنادی ندارد به عنوان مثال در جمله های «کتابی روی میز است»، «علی در خانه است»، «ماهی از جانوران دریایی است» و «جمعیتی عظیم در آنجا بود»، فعل های موجود به ترتیب به مفهوم «وجود دارد»، «به سر می برد»، «حساب می شود» و «حضور داشت» به کار رفته اند.

### پی نویسه ها:

- ۱- فعل های ساده که در ساخت فعل مرکب دخالت دارند اصطلاحاً «همکر» نامیده می شوند.
- ۲- امکان جایجایی «همکرد» یا یکی از افعال ربطی، یکی از معیارهای تشخیص فعلهای مرکبی است که همکرد آنها ظاهراً از نوع فعلهای ربطی است.
- ۳- جمله های اسمی به جمله های وابسته قابل تأویل به مصدر اطلاق می کنیم.
- ۴- جمله های صوتی در این مقاله به جمله هایی اطلاق می شود که شامل در بخش نهاد و گزاره بوده و یکی از بخش های (نهاد یا گزاره) آن را یکی از اصوات تشکیل می هد.